

دعوت کارگردان «تک تیرانداز» برای تماشای فیلم در سینما

قصه قهرمان واقعی جنگ را روی پرده عریض سینما ببینید

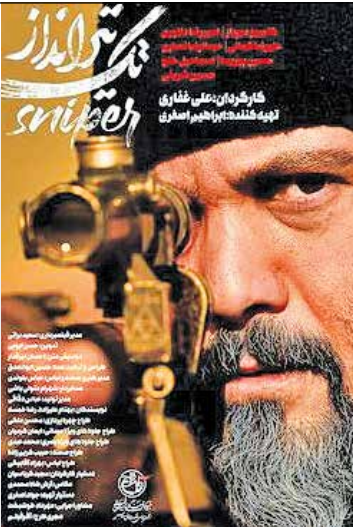
فرهنگی/ نوروز امسال در اقدامی متفاوت سه

فیلم سینمایی پیش از اکران در سینما برای نخستین بار از شبکه‌های تلویزیونی پخش شدند. فیلم‌های سینمایی «بدو» به‌کارگردانی مهدی جعفری و «تک تیرانداز» به‌کارگردانی علی غفاری از آثار برگزیده سی‌ونهمین جشنواره فیلم فجر در کنار فیلم سینمایی «مهران» به کارگردانی رقیه توکلی از آثار برگزیده جشنواره فیلم کودک و نوجوان در جدول پخش قرار گرفت. مدیران سیما برای پیشگیری از انتشار نسخه قاچاق فیلم‌ها وعده دادند که این سه فیلم فقط در ۲ نوبت پخش خواهد شد و روی



تولیبون هم بارگذاری نخواهد شد. ۲۰ اردیبهشت ماه اما با صدور مجوز پروانه نمایش فیلم «تک تیرانداز» به تهیه‌کنندگی ابراهیم اصغری و کارگردانی علی غفاری رزمه‌هایی از انتشار نسخه قاچاق فیلم شنیده شد. علی غفاری با انتشار یادداشتی اعلام کرد که نمایش و انتشار فیلم در فضای مجازی و پلتفرم‌ها غیرقانونی است و حتما پیگرد قانونی دارد.

این کارگردان در گفت‌وگو با «ایران» درباره تصمیم پخش این فیلم از تلویزیون می‌گوید:



که همان نسخه نمایش داده شده در تلویزیون است ولوگوی شبکه‌های تلویزیون در آن درج شده است.

با اعمال تمام محدودیت‌ها اما نسخه بی‌کیفت و قاچاق «تک تیرانداز» منتشر شده

مهشید میرمعزی از «بافته موی مادر بزرگ» نوشته «آلینا برونسکی»، ترجمه تازه‌اش می‌گوید

معرفی نویسنده‌ای تازه از ادبیات آلمانی

مریم شهبازی
خبرنگار

این روزها با وجود مشکلات متعددی که بر نشر سایه افکنده، از جمله گرانی کاغذ و دیگر ملزومات چاپ، اما ناشران همچنان برای حفظ حیات این بخش از فرهنگمان در تلاش هستند. از مصداق‌های آن هم می‌توان به انتشار آثار تازه و حتی تجدیدچاپ‌ها اشاره کرد؛ کتاب «بافته موی مادر بزرگ» نوشته «آلینا برونسکی» نیز به تازگی از سوی نشر ثالث روانه کتابفروشی‌ها شده است. توضیحات مختصری درباره این رمان را در گپ و گفتی با **مهشید میرمعزی**، مترجم آن می‌خوانید.

■ **نویسنده‌ای موفق با جوایز بسیار**

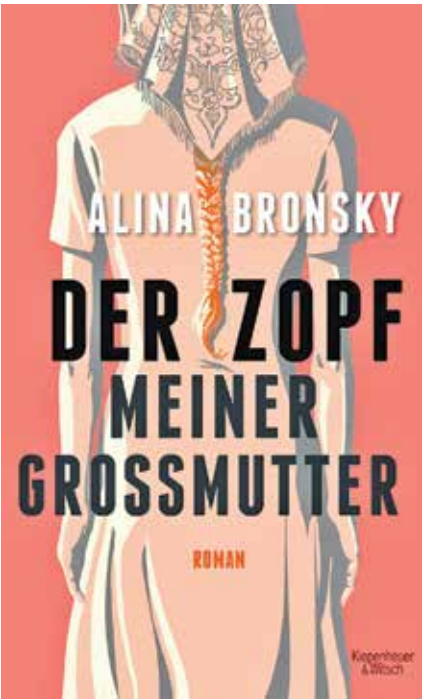
میرمعزی درباره چرایی ترجمه رمان «بافته موی مادر بزرگ» به «ایران» می‌گوید: «هرگز دست به ترجمه کتابی نمی‌زنم مگر آن‌که خودم را تحت تأثیر قرار داده باشد؛ وقتی این رمان را خواندم در آن ویژگی‌هایی جذاب برای خواننده ایرانی یافتم. داستان بسیار دلنشین و جذابی دارد.»

این مترجم ادبیات آلمانی با اشاره به جمله یکی از منتقدان آلمانی درباره «بافته موی مادر بزرگ» که تأکید کرده نمی‌توان آن را زمین گذاشت ادامه می‌دهد: «به قول منتقد دیگری، این رمان همچون سایر نوشته‌های برونسکی روایت بسیار جذابی دارد که خواننده را در پایان از خواندنش ناامید نمی‌کند. برونسکی در آلمان نویسنده مطرحی است و آثار وی موفق به کسب جوایز بسیاری شده‌اند.»

وی تأکید می‌کند: «این رمان درباره مادر بزرگی است که گفتار مؤدبانه‌ای ندارد و از طرفی غرق تکررات نژادپرستانه‌ای است؛ آن‌چنان که مرزها را در مرادوات خود زیر پا می‌گذارد. اوایل کتاب از او متنفّر می‌شوید که البته این یکی از هنرهای نویسنده است. کاری می‌کند که ابتدا از این شخصیت بدتان بیاید. اما کم‌کم شما را از قضاوتتان شرمند می‌کند و می‌فهمید که رفتارهای این پیرزن تنها نشأت گرفته از جه دلالی هستند.»

تغییرات و مشکلاتی که مهاجرت پیش پای افراد می‌گذارد، ترس از دست دادن و نگرانی‌های افراطی ازجمله مصایبی هستند که شخصیت مادر بزرگ این داستان به آنها مبتلا شده است. میرمعزی تأکید دارد وقتی کتاب را بخوانید بسیاری از مسائل آن را دور از خودتان نخواهید یافت. آن‌گونه که شاید در هر یک از آنها نقطه اشتراکی با او احساس کنیم.

میرمعزی ادامه می‌دهد: «شخصیت مادر بزرگ در محافظت از نوه‌اش گرفتار وسواس و رفتار افراطی شده، اما شخصیت دیگر این رمان همین پسر است که تنها یادگاری فرزند پیرزن به شمار می‌آید که در جوانی او را از دست داده است. رمان رگه‌هایی از طنز هم دارد و به گمانم برای احوال این روزها اثر خوبی باشد. هم



رمان خوشخوان و روانی است و هم در لایه‌لای صفحات خود گاهی مخاطب را به خنده هم وامی‌دارد.» همان‌طور که در سطرهای ابتدایی رمان خواندید، بدبینی، ترس‌ها و نگرانی‌های شخصیت مادر بزرگ به‌گونه‌ای هستند که هر یک از مخاطبان فارغ از ملیت خود می‌توانند با آن‌همذات‌پنداری کنند؛ نگرانی، وسواس‌های فکری افراطی و... بویژه مشکلات مهاجرت که برای ساکنان کشورهای توسعه‌نیافته و

حتی در حال توسعه شرایط ملموسی است. مادر بزرگ و خانواده‌اش از روسیه به آلمان مهاجرت کرده‌اند.

■ **اثری برخوردار از لایه‌های عمیق روانشناختی**

این مترجم ادبیات آلمانی با اشاره به برخی دشواری‌های ترجمه این کتاب می‌گوید: «شخصیت مادر بزرگ، پیرزن بددهانی است؛ ترجمه دیالوگ‌های او دشوار بود، گاهی برای یافتن معادل مناسب برخی واژه‌ها به‌ناچار باید زمان زیادی صرف می‌کردم. حتی خودم را جای مادر بزرگ فرض می‌کردم؛ با صدای بلند ترجمه دیالوگ‌های او را تکرار می‌کردم تا ببینم چقدر در فارسی نشسته‌اند. از همین رو قدری زبان او را به گفتار محاوره‌ای نزدیک کردم تا بنا به مقتضیات متن، مخاطب قادر به برقراری ارتباط بیشتر با آن بشود.»

یکی از نکات مهم برای اغلب مخاطبان ادبیات داستانی این است که بدانند ترجمه اثر تا چه اندازه گرفتار ممیزی شده، میرمعزی در این رابطه می‌گوید: «خوشبختانه گرفت و گیرهای ممیزی هیچ گجای این رمان را گرفتار نکرده و به مخاطبان اطمینان می‌دهم که ترجمه فارسی با اصل اثر یکسان است. اما بگذارید به نکته دیگری درباره خود داستان اشاره کنم، به غیر از نوه پیرزن و خود او، شما باشخصیت پدر بزرگ هم در این رمان مواجه می‌شوید؛ هرچند که دیالوگ‌های بسیار کمی دارد.»

آن‌طور که میرمعزی می‌گوید این رمان برخوردار از زمینه‌های عمیق روان‌شناختی و جامعه‌شناختی است، او ادامه می‌دهد: «این کتاب نه‌تنها از منظر ادبی، بلکه از نگاه روان‌شناختی و جامعه‌شناختی هم کتاب قابل بحثی است. البته سایر نوشته‌های برونسکی هم اینگونه هستند. او در کتاب‌های خود جایگاه ویژه‌ای برای زنان قائل است و اغلب آنان را شخصیت‌هایی قوی نشان می‌دهد. حالا بماند که قصه‌پردازی‌اش نیز به‌گونه‌ای است که می‌تواند مخاطب را تا پایان پای نوشته‌اش نگه دارد.»

«بافته موی مادر بزرگ» آخرین نوشته منتشر شده از «آلینا برونسکی» است؛ جایی به نقل از نوه این پیرزن می‌خوانید: «آن لحظه‌ای را که پدر بزرگم عاشق شد دقیقاً به خاطر دارم. بدیهی بود که مادر بزرگ نباید چیزی می‌فهمید. او به دلایلی بسیاری بی‌اهمیت‌تر، مثلاً وقتی سر شام، وقتی خرده‌نان از دست پدر بزرگ می‌ریخت، تهدید می‌کرد که او را می‌کشد.»

اما آن‌طور که در پشت جلد خود کتاب درباره برونسکی به مخاطبان آمده، این نویسنده آلمانی به‌عنوان استاد داستان‌سرایی طنزآمیز معرفی شده است، نویسنده‌ای که منتقدان او را در خلق شخصیت‌های لچوج و دوست‌داشتنی متبحر می‌دانند. همچون شخصیت مادر بزرگ این رمان که به شکل افراط گونه‌ای گرفتار حفاظت از نوه‌اش در برابر تأثیرات مخرب دنیای جدید است. اما آن‌گونه که میرمعزی تأکید دارد شاید یکی از مهم‌ترین پیام‌های این کتاب را بتوان بر حذر داشتن مخاطبان از قضاوت کردن عنوان کرد.

■ **شنبه ۱ خرداد ۱۴۰۰**
■ **سال بیست‌وهفتم**
■ **شماره ۷۶۳۳**

۱۵ | **فرهنگی**

دالبی تماشا کنید.»

این فیلم درباره یک تک‌تیرانداز به‌نام عبدالرسول زرین در زمان جنگ تحمیلی است و کامبیز دبیران، امیررضا دلآوری و علیرضا کمالی در آن ایفای نقش کرده‌اند. در خلاصه داستان «تک‌تیرانداز» آمده است: تک تیرانداز ایرانی کابوسی مرگبار برای افسران و فرماندهان ارتش بعث شده است، صدام شخصاً برای سر او جایزه تعیین می‌کند و مزدوران و زیده‌ترین نیروهای ارتش بعث عازم مأموریت می‌شوند تا دستور رسمی صدام عملی شود...

نقد سریال دراکولا

دراکولایی که فخر می‌فروشد!

رشاد صامی
منتقد

فارغ از اثری که می‌بینیم همین که نام مهران مدیری به‌عنوان کارگردان پای آن اثر باشد کنجکاویمانگیز است حتی برای کسی مثل من که معتقد به افول امپراطوری مدیری در جغرافیای کمدی است. حتی معتقدم آثار متأخر مهران مدیری بیش از آنکه طنز باشد هجو است. دراکولا که از پس هیولا بیرون آمده، هجو مهران مدیری به طبقه تازه به دوران رسیده و مناسبات آن است و می‌خواهد پوشالی بودن این نوکیستی را به تصویر بکشد اما خودش در تصویری لاکچری و جذابیت‌های صوری آن مرعوب می‌شود و می‌خواهد با مرعوبیت مخاطب، ضعف قصه و شخصیت‌پردازی آن را پنهان کند. مشکل اصلی آثار مدیری در نمایش خانگی همین است که از یک طرف طنز آیتمی را در بستریک کمدی داستانی بازتولید می‌کند و به همان مؤلفه‌های پیشین التزام دارد و هم فاقد مخاطب شناسی امروز است. این ضعف شاید بواسطه حضور کاریزماتیک خودش به چشم نیاید یا پنهان شود اما براحتی قابل تشخیص است.

کاراکترهای کاریکاتوری و کلیشه‌ای که تیپ سازی‌های تکراری جهان کمدی مدیری است نمی‌تواند روایتگر کمدی نقادانه و اجتماعی باشد. مشکل اصلی آثار متأخر



موقعیت کمدی یا کمدی موقعیت که با موقعیت‌هایی مواجه شویم که یا حاصل شوخی‌های کلامی است یا طنازی‌ها و بانمکی خود بازیگر. شوخی‌هایی که اغلب از جهان مجازی و شبکه‌های اجتماعی به داخل قصه راه یافته است. مصداق بارزش خود مهران مدیری در نقش کامران کامرواست که جذابیتش به طنازی تپیکال خود مدیری و کاریزماتیک بودنش برمی گردد. در واقع دراکولا مبتنی بر محبوبیت مدیری و مرعوبیت مخاطب از طریق نمایش زندگی مجلل و لاکچری بنا شده و به جای به‌کار گرفتن فکر مخاطب، چشم او را به کار می‌گیرد تا با زرق و برق صحنه و لباس‌ها و عمارت مجلل و حیوانات خانگی نامتعارف، تفاخری تصویری را به رخ بکشد. سوز‌اش نقد نوکیستی و مناسبات لاکچری بودن است اما خودش اسیر منطق سوزه شده و مخاطب هوشمند را پس می‌زند. مخاطبی که هم از تماشای پررنگ و افراطی تجملات و فیس و افاده‌های کاراکترها و هم ریتم کند قصه خسته می‌شود و حس می‌کند خود سریال دارد به او فخر می‌فروشد! سریال منطقی شبیه به منطق فیلم‌فارسی دارد. برای توجیه ابتدال یا جذابیت لمپنیسم، نتیجه اخلاقی پایانی فیلم را بهانه بلاهت قصه قرار می‌دهد. با این همه و با وجود انواع حمایت‌های مالی و اسپانسر و زرق و برق سریال و لاکچریزه کردن آن، نمی‌تواند بخنداند و بیشتر خود را به رخ مخاطب می‌کشد.

«مردم معمولی» با وعده

اعمال تغییرات اساسی از دسترس خارج شد

فرهنگی/ سریال «مردم معمولی»

به کارگردانی و تهیه‌کنندگی رامبد جوان یکی از سریال‌های طنز شبکه نمایش خانگی است که در کنار «دراکولا» ی مهران مدیری به لحاظ کیفی با واکنش منفی مواجه شد؛ در این میان سریال تازه رامبد جوان که ۶ قسمت از آن منتشر شده بیش از سریال مهران مدیری با انتقاد تند و تیز همراه بود؛ هم مخاطبان در صفحات اینستاگرام و فضای مجازی واکنشی منتقدانه داشتند و هم منتقدان سینمایی نقدهایی جدی بر این سریال نوشتند.

این نگاه نقادانه مؤثر واقع شد و در اقدامی غیرمعمول به دلیل آنچه «شیوه جدید روایت و رویکرد تعاملی با مخاطبان» عنوان شده قرار است پخش «مردم معمولی»



برای مدتی متوقف شود و از هفته دوم خرداد در فضایی متفاوت از سر گرفته شود.

در همین راستا ۶ قسمت ابتدایی سریال از دسترس مخاطبان پلتفرم فیلمو خارج شده و آن‌طور که روابط عمومی سریال وعده داده قسمت هفتم با تغییرات گسترده و رویکرد جدید در دسترس مخاطبان قرار خواهد گرفت، اگرچه اقدام سازندگان سریال در بهره بردن از بازخوردها و پذیرش خطا و اصلاح آن رخدادی مثبت تلقی شد اما در عین حال انتقاداتی بر هدر رفتن سرمایه و بودجه و دستمز نیز مطرح شد. سریال کمدی «مردم معمولی» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی رامبد جوان قرار است از شنبه، ۸ خرداد با تغییر در زمان پخش، روزهای شنبه و پنجشنبه به صورت اختصاصی از فیلمو پخش شود.

رامبد جوان، آتیلا پسیانی، شبنم مقدمی، لیلی رشیدی، کمند امیرسلیمانی، خاطره اسدی، الناز حبیبی، امیر نوروزی، خسرو پسیانی و شادی کرم رودی بازیگران این سریال هستند.

«ایران» از آمار مجوزهای فروردین تا اردیبهشت ماه آلبوم‌های موسیقی و تک آهنگ‌ها می‌گوید

لوح‌های فشرده و فشار بازار موسیقی

گروه فرهنگی: بنا بر اعلام دفتر موسیقی وزارت

فرهنگ و ارشاد اسلامی، از هفته نخست فروردین ماه ۱۴۰۰ تا هفته پایانی اردیبهشت ماه مجوز حدود ۵۰۰ تک آهنگ و آلبوم موسیقی از سوی این نهاد صادر شده که جالب است بدانید در این بین، ژانر موسیقی نواحی حضور چشمگیر و پررنگی داشته است؛ دو آلبوم «سبا» و هفت آلبوم «درنا»، «تجنیس» و «لو»، «گرا بلی»، «نوابی»، «سردار عیوض خان» و «ایبخته» که از مقام‌های موسیقی شمال خراسان است و توسط رحیم رضایی یکی از نوازندگان این خطه روایت شده است. آلبوم «شالاه» از قطعات فولکلور اصیل آذربایجانی که توسط سیاوش حیدری تنظیم و توسط جواد علوی نصب اردبیلی بازخوانی شده و دیگر آلبوم «دیاری»

از آثار موسیقی مازندرانی از جمله آثاری هستند که در سبک موسیقی نواحی مجوز انتشار دریافت کرده‌اند.

بر این اساس در هفته چهارم اسفند سال گذشته و هفته نخست فروردین ۱۴۰۰ مجوز ۱۶۶ تک آهنگ و ۱۱ آلبوم صادر شده که آلبوم «حصار شب» به آهنگسازی حسین پربنا و خوانندگی سعید پورتمبور از جمله این آلبوم‌ها است و در هفته سوم فروردین ماه نیز مجوز ۱۹۵ تک آهنگ و ۱۶ آلبوم صادر شده که بیشتر در بخش موسیقی نواحی بوده است. اما در هفته پایانی فروردین و هفته اول اردیبهشت، مجوز ۱۳۱ تک آهنگ و هشت آلبوم از سوی دفتر موسیقی صادر شد که در این بین نام آلبوم‌های «تا قله» و «در غم» که در ژانر موسیقی کلاسیک قرار دارند به چشم

می‌خورد. آلبوم «تا قله» از تولیدات سازمان صدا و سیما شامل سرودهایی است که گروه‌های سرود در تلویزیون اجرا کرده‌اند و در شبکه‌های امید و نهال پخش شده و در یک مجموعه گردآوری شده است.

در هفته دوم اردیبهشت ماه نیز مجوز ۷۸ تک آهنگ و ۱۲ آلبوم صادر گردید،

مانند آلبوم «ای عشق» به آهنگسازی پیمان خازنی و خوانندگی حسام‌الدین احدی، «دلستان» به آهنگسازی و خوانندگی فرهاد خالصی و «آوای کهن کاسیت» به آهنگسازی همایون پشتدار و خوانندگی

نصرالله جمشیدی پور و همچنین آلبوم‌های «شلاله» و «دیاری» در بخش موسیقی نواحی که از آثار موسیقی آذربایجانی و مازندرانی هستند که پیش‌تر به آن اشاره شد. نکته جالب این است که سال گذشته ۴ هزار و ۵۱۴ تک آهنگ،

۳۷۷ آلبوم موسیقی، ۳۵۷ اثر تصویری موسیقی ۳۵۰ ماهنگ و ۷ آلبوم تصویری و ۸۳ کتاب گویا مجوز انتشار گرفتند که به‌طور میانگین، در هر روز، ۱۲ تک آهنگ از دفتر موسیقی مجوز انتشار گرفته و این آمار نشان‌دهنده آن بوده که مجوزهای

